

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی



مفهوم گناه در غزلیات سنایی بر مبنای نظریه ی تحلیل انتقادی گفتمان

سارا پورفرح

کارشناسی ارشد از دانشگاه علامه طباطبایی تهران

Gmail: sarapoorfarah@gmail.com

«تحلیل گفتمان انتقادی» گرایش بین‌رشته‌ای است که در پی تغییرات گسترده‌ی علمی در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعه‌ی پرکتیس‌های اجتماعی به وجود آمد. درین پژوهش ابیات با مفهوم گناه از غزلیات سنایی با مدل سه بعدی نورمن فرکلاف منطبق شد. روش کلی کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است. از آنجاییکه وصول به معانی و دلایل سرایش اشعار قدما دشوار است، پژوهشگران در پی تطبیق نظریات جدید با متون قدیمی برای کشف حقایق بیشتر هستند. نتیجه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که با استفاده از نظریه‌ی انتقادی گفتمان می‌توان آثار قدما را واکاوی کرد.

کلمات کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، نورمن فرکلاف، سنایی، گناه

۱. مقدمه

امروزه همگام با پیشرفت سریع علوم و فناوری، شاهد آمیزش شاخه‌های مختلف علم با یکدیگر هستیم. درین راستا مطالعات ادبی هم متحول و مقالات و پژوهش‌های تطبیقی با اقبال بیشتری روبرو شده‌اند. از جمله روش‌هایی که به صورت متن توجه کرده‌اند و با تحلیل ساختار در پی کشف ابعاد مبهم متن هستند، نظریه‌ی تحلیل گفتمان است. در طی ده سال گذشته که نظریه گفتمان وارد عرصه‌های علمی شد، موج عظیمی از تحقیقات در هر زمینه‌ای را به خود اختصاص داد. تحلیل انتقادی گفتمان CDA که دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است، با ادبیات از طریق مطالعات تحلیل متون ادبی، سبک‌شناسی و نقد ادبی مرتبط است و از آنجاییکه تحلیل گران انتقادی معتقدند، متون ادبی نیز مانند سایر متون در خدمت ارتباطات اند. بنابراین برای بررسی متون ادبی با شاخص‌های جدید نظریه‌ی مناسبی به حساب می‌آید. گناه در متون دینی و مذهبی یک پارادایم شناخته شده است. در طول تاریخ شاعران و نویسندگان زیادی از گناه و مباحث مربوط به آن استفاده کرده‌اند. مخصوصاً در دوره‌هایی که با متون مذهبی بیشتری روبرو هستیم به مضمون پردازی‌های بیشتری هم برمی‌خوریم.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش پیش‌رو را می‌توان در دو زمینه جست‌وجو کرد:



۲-۱ تحلیل انتقادی گفتمان

در این زمینه کارهای زیادی انجام شده اما بیشتر آن‌ها هنوز ترجمه نشده اند. آثاری که درین زمینه ترجمه شده اند و در دسترس محققین قرار دارند عبارتند از: "تحلیل انتقادی گفتمان" نوشته ی نورمن فرکلاف، "گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی" از لطف‌الله یارمحمدی، "نظریه و روش در تحلیل گفتمان" از ماریانه یورگسنس و لوئیز فیلیس با ترجمه‌ی هادی جلیلی، "فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی" از فردوس آقا گل‌زاده.

۲-۲ مفهوم گناه از منظر سنایی

تاکنون پژوهشی با پارادایم‌های تحقیق حاضر انجام نگرفته همچنین با تمطع از نظریه‌ی تحلیل گفتمان تنها متون کوتاه مورد واکاوی قرار گرفته اند، حالی که در تحقیق حاضر تمام غزلیات حکیم سنایی به کمک مدل سه بعدی فرکلاف و مولفه‌هایی که دکتر لطف‌الله یارمحمدی ارائه کرده اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد سه بعدی فرکلاف

در تحلیل انتقادی گفتمان اصولاً زبان را به عنوان یک پدیده‌ی آگاهانه اجتماعی که زیر نظر ایدئولوژی‌های خاص پی ریزی شده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این روش رویکردی جامعه‌شناختی است و برای تحلیل هر متن مرتبط با جامعه مورد استفاده می‌باشد. پژوهش‌هایی که متون ادبی با نظریه‌ی تحلیل گفتمان مورد واکاوی قرار گرفته اند، پژوهشگران بیشتر با رویکرد سه بعدی نورمن فرکلاف به تبیین و تفسیر پرداخته اند. در واقع در هر فرایند زبانی یک تعامل ارتباطی انجام می‌گیرد، نورمن فرکلاف نشان می‌دهد که شاخصه‌های زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی بطور سیستماتیک با آنچه که در سطوح اجتماعی رخ میدهد در ارتباط است. و هر آنچه بطور اجتماعی اتفاق می‌افتد، بطور نظام‌مندی ارتباط میان دگرگونی‌های نمادین و غیر نمادین، CDA در واقع مختصراً یا تماماً زبان‌شناختی یا نشانه‌شناختی است. از طرف دیگر گفتمانی و غیر گفتمانی را ترسیم می‌کند. نورمن فرکلاف از دستور نقش‌گرای نظام مند هلیدی برای نظریه‌ی تحلیلی خود استفاده می‌کند. از منظر فرکلاف، ایدئولوژی عاملی تعیین‌کننده در جوامع است، زیرا اعمال قدرت در جوامع مدرن، به طور روزافزون، از طریق ایدئولوژی، به ویژه از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان صورت می‌پذیرد (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۹۷).

فرکلاف برای تحلیل گفتمان به روش انتقادی، سه سطح تحلیل را مطرح میکند: توصیف، تفسیر، و تبیین. توصیف متن را بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی، تفسیر را بر مبنای آنچه در سطح توصیف بیان شده و با دخالت دادن بافت موقعیت و تبیین را بر اساس چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن مورد بررسی قرار می‌دهد.

درین مقاله فصل توصیف را بر اساس "ساختارهای گفتمان مدار" لطف‌الله یارمحمدی مورد بررسی قرار می‌دهیم و در بخش تفسیر و تبیین به ترتیب از نظریات هرمنوتیکی و مسائل جامعه‌شناختی تاریخی استفاده می‌کنیم.

۴. وضعیت اجتماعی و دینی عصر سنایی

حکیم سنایی سال‌های کودکی‌اش را در حالی گذراند که حکومت ترکان غزنوی روبه‌زوال بود و عملاً در مهر و موم‌هایی پا به عرصه‌ی اجتماع گذاشت که از قدرت و ریاست غزنویان چیزی جز غزنین و چند شهر اطرافش نمانده بود.



امرا و سلاطینی که درین عهد بر ایران حکومت داشتند، غلامان ترکی بودند که در سفاکی و عیاشی نظیر نداشتند. پس از تشکیل حکومت‌های ترک مخصوصاً سلاجقه به‌موجب تعدد وجود غلامان ترک در دستگاه‌های حکومت و نقاط مختلف، همین بردگان زمینی شورش‌های فراوانی را برای حکومت‌های ترک فراهم کردند.

رویدادهای سیاسی و اجتماعی منشأ تطوراتی در شعر عصر سلجوقیان شد. درین دوره مدیحه‌سرایی در قالب قصیده رشد بی‌نظیری داشت و دربارهای حاکمان سلجوقی پذیرای مداح‌های بسیاری بودند. خودکامگی، فقدان کارهای برجسته و دسیسه‌های درباری و کاسه‌لیسی‌های شاعران و رقابت امیران محلی باهم بر سر مداحان‌شان، شرایط را بیش‌ازپیش برای رشد اشعار مدحی فراهم کرد. درین شرایط است که سنایی طی ماجرابی که مشخص نیست دچار تحول روحی می‌شود و اشعار عرفانی و عاشقانه را در قالب غزل ترویج می‌دهد.

از غلامان ترک که درین عهد خریداری می‌شدند به گونه‌های مختلف استفاده می‌شد. دسته‌ای از این‌ها بازبچه‌ی شهوت‌رانی‌های امرای این عهد بودند. عشق‌بازی با مالیک که بعضی از فقها به جواز آن فتوی داده بودند و نزد شاعران این عهد هم متداول بوده است. (صفا ج دوم، ۱۳۸۸: ۷۴) نمونه‌هایی که ذیل عنوان شاهدبازی در فصل چهارم می‌آید ازین قسم است.

اواسط قرن پنجم «در سال ۴۳۲ سلطان مسعود غزنوی از سلجوقی‌ها شکست خورد و به هند رفت و طغرل سلجوقی بر غالب مناطق ایران دست‌یافت بعد از او الب ارسلان دایره‌ی فتوحاتش را وسعت داد. پس از آن جلال‌الدین ملک‌شاه در سال ۴۶۵ به سلطنت رسید و بعد از مرگ وی و از میان رفتن وزیرش خواجه نظام‌الملک در اواخر قرن پنجم، جنگ بین افراد خانواده‌ی سلجوقی بر نزاع‌های مذهبی افزود و هرج‌ومرج اشتداد یافت.» (غنی، ۱۳۸۹: ۴۰۹) این هرج‌ومرج با به قدرت رسیدن نخستین ممدوح سنایی (غلاءالدوله) هم‌زمان با آغاز شاعری وی، در غزنین رو به آرامش رفت. غلاءالدوله در مدت شانزده سال حکومت خود با یکی از شاهزادگان سلجوقی ازدواج کرد. وی پادشاهی علاقه‌مند به رفاه و آسایش رعایایش بود؛ و با غنائی که از سفرهای جنگی به هند به دست می‌آورد کاخی باشکوه با سنگ مرمر برای خود ساخته بود که در دیوارهایش اشعار مدحی از شعرای آن دوره به چشم می‌خورد. وی در شوال سال ۵۰۸ روی در نقاب خاک کشید.

پس از مرگ وی برای یکی یا دو سال پسرش شیرزاد به حکومت رسید. برادرش ملک ارسلان نیز تنها دو سال حکومت کرد و در سال ۵۱۱ بهرامشاه غزنوی به سلطنت رسید. بهرامشاه با کمک سلطان سنجر و به‌موجب قدرت و شجاعتش توانست حکومت را از چنگ ملک ارسلان بیرون آورد. غزنه که شهری دست‌نخورده بود با ورود سلطان سنجر و پیشاپیشش بهرامشاه غزنوی، مورد تاراج سپاهیان سنجر قرار گرفت و این تاراج هنوز پیش در آمد تاراج وسیع‌تر شهر (۳۵ سال بعد) به دست حسین جهان سوز امیر غوری بود. بهرامشاه به مدت چهار سال حکومت کرد و با القاب یمین‌الدوله و امین‌المله در دیوان شعرا مدح شد. بار دیگر در سال ۵۳۰ سلطان سنجر به غزنه حمله کرد و به تاراج این شهر پرداخت ولی پس از آن بازهم غزنه را به بهرامشاه سپرد و به هند لشکر کشید. یکی از مداحان دربار این پادشاه همانا سنایی است. می‌توان این دوره را از ادوار شکوفایی ادب پارسی در دربار حکما دانست. (باسورت؛ ۱۳۶۲: ۳۸۱)

خراسان بعد از شکست سنجر از ترکان ختا و مخصوصاً بعد از اسارت او به دست غزان تا استقرار دولت خوارزمشاهان در آن سامان، به‌شدت در آتش ناامنی و اغتشاش می‌سوخت. درین دوره ترتیب امور از بین رفته بود، ترتیبی که در دوره‌ی سامانی به وجود آمده بود اندک‌اندک راه نیستی را سپرد و امن و راحت از میانه برخیزید. این شرایط موجب از میان رفتن ملکات اخلاقی شد و قشر عظیمی از مردم با فرهنگ ایران را به وصول انسانیت بی‌اعتنا کرد. این است که در اشعار این دوره به‌وفور با صحبت از منسوخ شدن مروت و معدوم ماندن وفا و علوم و آداب روبرو می‌شویم. در این شرایط باوجود این اوضاع نارام به‌خصوص در عهد سلاجقه، مکان‌هایی آرام وجود داشت از جمله فارس زیر نظر اتابکان سلغری که ذکر آن‌ها رفت، نواحی شمال آذربایجان و اران، مازندران، قلمرو سلطنت غزنویان، هندوستان، و... که اگرچه بر اثر آشفتگی اوضاع زمان گاه دستخوش فتنه بود، لیکن به‌واسطه‌ی تجمع ارباب هنر در آن نواحی غالباً آرام بود؛ و همین مکان‌ها هستند که مرده ریگ نیاکان آریایی را به دوش کشیدند و نگذاشتند همین حداقل‌ها هم نابود شوند (صفا ج دوم، ۱۳۸۸: ۱۲۱)

غالب سلاطین و امرای چه محلی و چه سراسر، مردمی دیو خوی پست و ستمکاره ای بودند و از فجایعشان در کتاب‌های تاریخ به کرات یاد شده است. اثر بارز این اوضاع در شعر و ادب قرن ششم کاملاً آشکار است. این شکایات از وضع نابسامان زمان انعکاس اوضاع نابسامان است که در آن همه چیز از امرا و وزراء و اوضاع اجتماعی و دین گرفته تا عادی‌ترین مسائل به باد انتقاد گرفته شده است. (همان، ۱۲۵)



۵. دسته بندی غزلیات سنایی با مضمون گناه

برای بررسی ابیات با مضمون گناه ابتدا ابیاتی را که در باب گناه سروده شده اند، دسته بندی کردیم اما ذکر تمام ابیات درین مقال ممکن نیست بنابراین نمونه ها به همراه جدول فراوانیشان در ادامه آورده می شود.

دعوت به نوشیدن می

«ساقیا می ده که جز می نشکند پرهیز را / تا زمانی کم کنیم این زهد رنگ آمیز را»
 «می ده ای ساقی که می به درد عشق آمیز را / زنده کن در می پرستی سنت پرویز را»
 غزل ۶ و ۲

گناه پیروی از عقل معاش

«یک ره به دو باده دست کوتاه کن / این عقل دارز قد احمق را»
 «عاشقی از بند عقل و عافیت جستن بود / و چنینی عاشقی ورنیستی دیوانه ای»
 غزل ۳ و ۳۶۱

در نگویش از و دنیا پرستی

«حرارتهای نفسانی بسوزد دینت را روزی / اگر در راه دین مردی علاج این حرارت کن»
 «دعوی دین میکنی با نفس دمسازی مکن / سینه ی گنجشک جوئی دعوی بازی مکن»
 غزل ۳۱۳

پرهیز از شهرت طلبی و نام جویی

«قیل و قال کرخی و شبلی چه سود / کار کار خویش دان اندر نورد این نام را»
 «تا زمانی ما برون از خاک آدمم زنیم / ننگ و نامی نیست بر ما هیچ خاص و عام را»
 غزل ۴

تقدیس خرابات

«در دل ان را که روشنائی نیست / در خراباتش آشنائی نیست»
 غزل ۲۷

پرهیز از زهد ریایی و دعوت به یکرنگی

«یکدم و یکرنگ باش چون گهر افتاب / چند چو چرخ کهن هر دم رسم دوئی»



روباه بازی مکن در صف عشاق از آنک زشت بود پیش گرگ شیر کند اهویی
غزل ۳۷۲

برتری مذهب عشق بر دیگر مذاهب

«عشقی را بوحنیفه درس نکند ششافی را درو روایت نیست»
«سنائی از غم عشقت سنائی گشت ای دلبر مگوئید ای مسلمانان خطا باشد خطا باشد»
غزل ۶۰ و ۱۰۶

نظر به زیاریان

نقش خود را چینیان از جان همی خدمت کنند نقش حق را آخر ای مستان کم از نظاره ای
غزل ۳۶۲

گناهکار ازلی و نخستین گناه

«در ازل رفته است تقدیری ز عشقت بر سرم جز رضا دادن نگارا حیل و تدبیر چیست»
«می ندانی کدام از کتم عدم سوی وجود از بریا مهر بازان خرابات آمده»
غزل ۳۵۶ و ۳۵۳

شاهدبازی

«عاشق ترم ای پسر ز خسرو نیکوتری ای پسر ز شیرین»
غزل ۳۲۳

آمزش همگانی در بارگاه حق

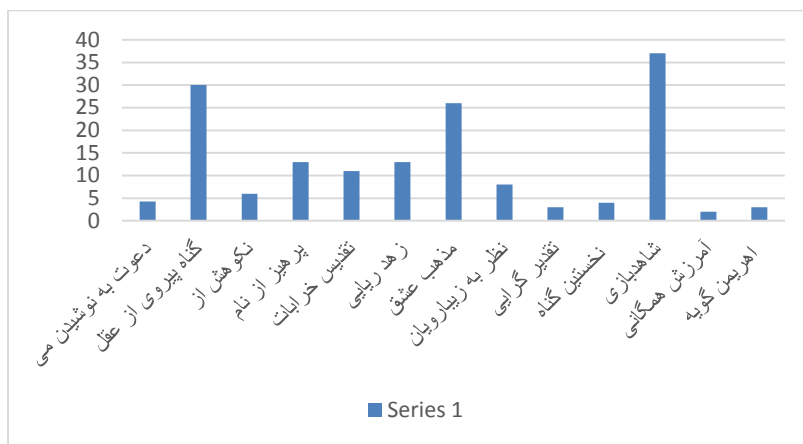
باد لطفست گرد بارالملک انسان بروزد هر یکی را بر مثال یوسف چاهی کند
غزل ۱۱۸

اهریمن گوید

درین قسمت سنایی غزلی معروف از زبان ابلیس سروده است با مطلع:

با او دلم به مهر و مودت یگانه بود سیمرخ عشق را دل من آشیانه بود
غزل ۱۲۹

۶. فراوانی دسته بندی ابیات با مضمون گناه در نمودار ۱:



نمودار ۱: فراوانی گناه در غزلیات سنایی

۷. تحلیل گفتمان ایبات سنایی

۷-۱ توصیف

«گتمان عبارت است از تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی» (یار محمدی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). این دیدگاه‌های اجتماعی با ساختارهای گفتمان مدار در متن قابل تشخیص هستند. این مولفه‌ها به صورت موردی در تالیفات یارمحمدی قابل پیگیری است. ازین دست می‌توان به «گزینش لغات و تعبیرات خاص، به کارگیری مجهول در برابر معلوم یا برعکس، حذف، اظهار، مشخص سازی و نامشخص سازی، تشخیص زدایی، پیوندزدن و پیوندزدایی، تفکیک کردن و تفکیک نکردن، حسن تعبیر و سوء تعبیر، فرایند اسم سازی و...» (یار محمدی، ۱۳۹۴: ۱۷۸) اشاره کرد. در ادامه سه غزل از سنایی که مولفه‌های حاضر در آنها نمود بیشتری دارد را مورد واکاوی قرار می‌دهیم. غزلی با مطلع:

در کوی ما که مسکن خوبان سعتری است از باقیات مردان پیوری قلندری است
غزل ۶

گزینش لغات و تعبیرات خاص: «انتخاب و کاربرد نام برای افراد، اشیاء و فعالیت‌ها منعکس‌کننده‌ی دیدگاه خاصی است که می‌تواند هم بار منفی داشته باشد و هم مثبت.» (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۶۱). کاربرد اصطلاحاتی چون «پیر قلندری» برای مستی لایعقل که گوشه‌ای افتاده‌ی اینانگر تجربه‌ی تولیدکننده‌ی متن از بازتولید نظم بافت موقعیتی گوینده است که هم‌زمان با ارزش‌های رابطه‌ای متن با هم پیوند دارد بدین معنی که گوینده بر اساس شرایطی که در اطرافش جریان دارد ساختن این واژه را نامفهوم نیافته و این در حالیست که استعمال این واژه در زمانی دیگر بی معنی می‌نمود. پیر مست و لایعقل با دو جمله تا جایگاه پیر و مرشد سنایی بالا می‌رود و سخنان حکیمانه‌ای می‌گوید که از کمر حکیمی حتی حکیم سنایی می‌توان شنید. پیر مست او فتاده از هست و نیست فارق است و نه تنها از بابت وضعیت نابسامانش آشفته نیست بلکه با رجزهایش سنایی را به باد طعنه و استهزاء می‌گیرد، با این تفاسیر است که خواننده به مستی از باده‌ی انگور بودن پیر شک می‌برد و وی را مست باده‌ی حق می‌پندارد هرچند که آئین قلندران خواننده را به سمت دیدگاه اولش سوق می‌دهد.

مشخص سازی و نامشخص سازی: سنایی پیر مست را مشخصاً به گروه قلندران نسبت داده است. درواقع وی نماینده‌ی قلندران است که به صورت پس‌زمینه در ذهن مخاطب غزلیات این دوره هست. اینکه سنایی خود را در معرض سؤال و پرسش قرار می‌دهد بیانگر این است که



سنایی جزء دسته‌ی خاصی است و سنایی نماینده‌ی آن دسته‌ی خاص است. در واقع پیر قلندری با گروهی که سنایی هم جزئی از آن‌هاست در حال گفت‌وگو است.

در غزلی که از زبان ابلیس سروده است با مطلع:

با او دلم به مهر و مودت یگانه بود / سیمرخ عشق را دل من آشیانه بود
غزل ۱۲۹

فرایند اسم سازی و گزینش لغات و تعبیرات خاص: شعر از لحاظ اسم سازی به سه بخش تقسیم می‌شود. اسم‌ها و صفت‌هایی که گوینده برای خود برمی‌گزیند: سیمرخ عشق، معلم ملکوت، اسامی که از جانب دیگری به خود نسبت می‌دهد: نشانه‌ی لعنت، لعنتی، گرفتار در دام مکر. و اسامی که به فردی مجهول نسبت می‌دهد: آدم خاکی، عاقلان عشق.

فرایند اسم سازی: مصرع‌هایی مانند «بر در گهم ز جمع فرشته سپاه بود» یا «هفتصد هزار سال به طاعت بوده‌ام» و... مصرع‌هایی هستند که شاعر قیود مکان، زمان، ظرف و... را به عنوان فاعل جمله در قسمت آغاز متن آورده است. با این کار قسمت مهم جمله را پیش از دیگر اجزاء آورده است و بزرگی و جایگاه عظیم خود را با این چیدمان به رخ خواننده می‌کشد. حذف یا اظهار: عامل اصلی از ابیات حذف شده است و در نهایت همی فرایندها به قضا نسبت داده شده است.
در غزلی با مطلع:

چو دانستم که گردننده است عالم / نیابند مرد را بنیاد محکم

فرایند اسم سازی و لغات و اصطلاحات خاص: شیوه‌ی ترکیب کلمات متن بیانگر ارزش‌های رابطه‌ای بین مشارکین آن‌هاست. کلماتی که به صورت معمول دارای بار معنایی منفی هستند در متن با بار معنایی تقریباً خنثی و کلماتی با بار معنایی مثبت، در متن با حالتی تقریباً منفی ارائه شده‌اند. شاعر در پی آن است که از تیرگی آن دسته از کلماتی مثل می و معشوق و عصیان و... با نشان دادن کاستی‌های تعبیر متضاد بکاهد. تفکیک کردن و تفکیک نکردن: این مؤلفه‌ی گفت‌وگو مدار با صراحت گروهی را خودی و دارای یک گروه اجتماعی و کارگزاران دیگر را از دیگر گروه‌های اجتماعی جدا می‌کند. (یار محمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۴) من و تو نماینده‌ی دو گروهی هستند که از لحاظ ویژگی‌های نسبت داده شده در غزل از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

دلالت ضمنی: در حالت ضمنی یک کارگزار مشخص در عین حال مقوله یا نقش شناخته شده دیگری را بر عهده می‌گیرد. (همان، ۱۷۲). من به سگ کهف که در مبانی دینی سگی شناخته شده است و تو به بلعم باعورا که باز آن‌هم در متون مذهبی فردی آشناست به صورت ضمنی برای آشکارتر شدن مشخصات گروه‌های مورد نظر آورده شده.

۷-۲ تفسیر و تبیین

تا قرن پنجم حکومت‌ها قدرتمندانه بر تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی در ایران احاطه داشتند اما از قرن پنجم به بعد، پس از فروپاشی آل‌بویه و حکومت‌های ایرانی تبار و آزادی‌های مذهبی، دوره‌ی حکومت ترکان و پس از آن‌ها مغولان بر ایران شروع شد و با تسلط ترکان و عناصر غیر ایرانی بر ایران کم‌کم فرق باطنی و معتزله هم که فرقه‌هایی عقل‌گرا بودند از میان برداشته شدند و حکومت‌ها برای پیدا کردن مشروعیت سیاسی حکومت بر ایران دست به اشاعه‌ی مذهب اشعری زدند.



علوم عقلی خاصه حکمت درین روزگار (سنایی) در خراسان و غزنه سخت بی‌رونی بود اما برعکس بازار جدال‌های عقیدتی و نزاع‌های مذهبی در خراسان و بغداد و غزنه رواج داشت. ترکان غزنوی تا ظهور سانحه‌ی سلاجقه و یا ممالیک آن‌ها به‌واسطه‌ی زندگی در بین ایرانیان و دریافت آیین مسلمانی، موجب نهضتی شدند که شامل نشر علوم دینی و آداب اسلامی و منع از مقالات فلاسفه و باطنیه و تأویل و بدعت بود. نهضت سنت‌گرایی، در دوره خواجه نظام الملک و سلاجقه بالا گرفت و جنگ‌های خونینی به راه انداخت و همین امر موجب محدود و از بین رفتن توسعه‌ی تمدن و فرهنگ اسلامی شد که قبل از پیدایش سلاجقه راه افتاده بود این موج عظیم موجب شد که بزرگان از صحبت با صوفیه و طریقه‌ی آن‌ها به شاعران و نویسندگان نپردازند؛ بنابراین آن‌ها هم به عرفان رو آوردند و عرفان و ارکان تصوف را وارد شعر کردند. البته درعین حال این گرایش به زهد و توبه هرچند با تکریم حکام و سلاطین روبرو می‌شد ولی درواقع در زندگی خود آن‌ها هیچ تأثیری نداشت و همچنان غرق در لذات جسمانی بودند. رفته‌رفته آنقدر اوضاع جامعه در هم ریخت که در زمان نظام الملک فقهای سنت و طلبه‌ی علم مستغرق مناهی و باده خوردن بر سماع نشستن و شاهد آوردن بودند و وقتی حال علما و خواص ملک چنین بود پیداست که عام خلق تا چه حد درین گونه مناهی غرقه بوده‌اند. شنت زاهدان بر بی‌باکان و گنه‌کاران و شکایت رندان از گران‌جانی و ریاکاری زاهدان که در اشعار این دوره مکرر دیده می‌شود از شیوع فساد و مناهی بین اکثر طبقات حکایت می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۲۶۱)

ابوحنیفه فقیهی که سنایی بخشی از حدیقه‌اش را به ستایش وی اختصاص داده است یکی از دشمنان عقل و فرق عقل‌گرا بوده است. ناصر خسرو درین دوران در کتاب جامع‌الحکمتین خود می‌گوید: «و امروز فقها دین اسلام همی گویند: اگر کسی گوید روز همی از آمدن آفتاب پدید آید یا من بدانم که کدام ستاره رونده و کدام ثابت است او کافر است و، به علت کافر خواندن این علما کسانی را که علم آفرینش دانند، جویندگان چون و چرا خاموش گشتند و جهل بر خلق مستولی شد» (خسرو، ۱۳۶۳: ۱۵)

در دوره‌ی سنایی با حکومت و قدرت مذهبیان روبرو هستیم و حکومت‌ها هم از آنجایی که دیگر مثل قبل قدرت نداشتند سعی می‌کردند با حمایت همه‌جانبه از فرق اهل سنت، مشروعیت حکومت پیدا کنند. از سوی دیگر تفکر اشعریت اندیشیدن را در چارچوب شرع گرفتار می‌کرد. در این دوره عقاید صوفیه هم موجب شد که حکومت‌ها به آن‌ها توجه بیشتری نشان دهند. تعالیم گسترده‌ی صوفیه به‌منظور کاهش فشارهای اجتماعی توسط حمایت بی‌شائبه‌ی حکومت از صوفیان و زهاد بالا گرفت. تعالیمی مثل فعال مایشاء بودن خدا یا دست کشیدن از لذات دنیایی برای نیل به حقیقت. ترویج این عقاید توجه مردم را از فساد و تباهی حاکمان ترک بازمی‌داشت و همچنین جوی آرام و بی‌نیاز از تجملات را برای مردم فراهم می‌دید.

حکیم سنایی مداح دربار بهرامشاه بن مسعود غزنوی بوده و از سلاجقه سنجر بن ملکشاه را مدح گفته، کارنامه‌ی بلخ را به نام مسعود و حدیقه‌اش را به نام بهرامشاه سروده است. بنابراین می‌توانیم وی را از نزدیکان به دربار حاکمان وقت بدانیم بعلاوه‌ی حکایت‌هایی که درباره‌ی تحول روحی وی گفته‌اند و در صحت آن‌ها شک و تردید داریم. با توجه به اینکه شعرا و نویسندگان با آثارشان در ادوار گذشته مانند رسانه‌ی جمعی عمل می‌کردند می‌توان در نظر گرفت که سنایی با توجه به شرایط و لزوم همه‌گیر شدن عرفان و تصوف به ساختن غزلیات عرفانی اقدام کرده و بدین ترتیب توانسته است مضامین عرفانی را از حالت مکتبی خارج کند و موجب رشد و فراگیری آن شود.

حکام غزنوی و سلجوقی برای حکومت بر مردم و یافتن مشروعیت همان‌گونه که آورده شد به سمت مذهب آمدند و با طرفداری و جانب‌داری از فرق ضد باطنی و عقل‌گرا توانستند برای خود مشروعیت نسبی دست‌وپا کنند. درواقع این حکومت‌ها پشت سر فقها سنگر گرفتند و به این واسطه روزبه‌روز به قدرت و نفوذ فقها مخصوصاً فرقه‌ی اشعریت افزوده شد. به طبع آن مسئله‌ی گناه هم بر اساس پارادایم‌های اشعریت سنجیده می‌شد و در عین دستور به پرهیز از گناه، گناه را با سرنوشت محتوم انسان توجیه می‌کرده‌اند.

سنایی در بین خطاهایی که برای انسان در نظر می‌گیرد ابتدا همه‌چیز را زیر لوای مذهب عشق توجیه‌پذیر می‌داند. همه‌چیز که از آن جمله می‌توان به نوشیدن شراب و شاهدبازی و... اشاره کرد. البته در این دوره هنوز به آن عرفان و همه‌خدایی که عرفای قرن هفتم و هشتم می‌گفتند نرسیده بود و همچنین آموزه‌های دینی با این حجم برای اولین بار وارد شعر شاعران می‌شد. به همین خاطر است که در ابیات غزل وی با تأکید و عبارت بندی دگرسان روبرو هستیم چرا که بدین واسطه مخاطب منکر (که از نوع مخاطبین نوع سوم در علم معانی است) توجیه می‌شود.

درین دوران با قدرت گرفتن فقها و ترویج مذهب متعصبانه، زنان بیش‌ازپیش در پس پرده قرار گرفتند. این مسئله موجب شد که شاعران و نویسندگان با الهام از شرایط زمان و اعمال اطرافیان خویش ابیات عاشقانه‌ای در وصف معشوق مذکر بسرایند. سنایی هم ابیات زیادی را با قافیه‌ی ای پسر سروده است و همچنین می‌توان بسیاری از غزلیات عاشقانه وی را از همین قسم به حساب آورد.



سنایی هم‌دوره‌ی حکیم خیام است و مانند این متفکر بزرگ ابیاتی را به خوش باشی درین فرصت اندک دنیا اختصاص داده است. در بسیاری از ابیاتی که زیر عنوان دعوت به نوشیدن می از وی دسته‌بندی می‌شود منظور از می همان شراب زمینی است که در آثار خیام می‌بینیم و در تعداد اندکی از ابیات به می عرفانی اشاره دارد. در ضمن برخلاف حافظ که نمی‌توان مصداق دقیقی برای معشوق و می در غزلیاتش در نظر گرفت بسیاری از ابیات سنایی ازین حیث کاملاً روشن است. همچنین این موارد را می‌توان از زمهری ساقی‌نامه‌های ادوار گذشته به حساب آورد. دلیل این صراحت بیان را می‌توان در شرب می یا مثلاً سیکی آزاد، که در اشعار رودکی بسیار به آن اشاره شده است، دانست. شراب حلال سیکی یکی از فتوای ابوحنیفه است. شراب مثلث یا سیکی یعنی شرابی که جوشیده باشد و دو ثلث یعنی سه یکی از آن مانده باشد و ابوحنیفه شرب آن را، مادام که مستی و سکر نیاورد، حلال شمرده. «فرهنگ» از امتیازات مکتب ابوحنیفه راه‌هایی است که فقهای حنفی برای گشودن امور دشوار پیدا می‌کردند. سنایی که بالقطع در آغاز امر از پیروان ابوحنیفه بوده و بعدها به فقه شافعی درآمده در بسیاری از ابیات به طور صریح به خوش باشی ناشی از نوشیدن می اشاره می‌کند.

یکی از خصیصه‌های صوفیان دعوت به قناعت است و با این مؤلفه بسیاری از خواسته‌های دنیایی پیروانشان کاسته می‌شد. (فقیه ملک مرزبان، ۱۳۹۳: ۱۱۶). حکیم سنایی هم در ابیاتی از غزلیاتش به قناعت و نفس که خصمی عظیم در راه انسان‌هاست اشاره کرده و خواستار روی گردانی از لذات دنیایی است. البته این مؤلفه‌ی پرهیز از دنیاپرستی و زهد ریایی و دعوت به قناعت و یکرنگی در ابیات سنایی در مقابل سعدی و حافظ بسیار اندک است و هر چه به سمت قرن هشت و نه می‌رویم این قبیل مضامین در آثار شاعران و نویسندگان بیشتر آشکار می‌شود.

شاعر در این مؤلفه از خرابات به‌عنوان مکانی عرفانی یاد می‌کند و از طهارت و پاکی خرابات عرفان می‌نویسد و اگر هم مصداق حقیقی خرابات را در نظرمی آورد برای آن است که از سالک حقیقت بخواهد، کافر شود و در کافری در ثمن را پیدا کند. معمولاً خرابات‌ها به پیروان ادیان دیگری غیر از دین مبین اسلام تعلق داشته و در این دوره به واسطه‌ی نزدیکی به حکومت آل‌بویه و آزادی مذاهب هنوز آن نابرابری مذاهب که در ابیات سعدی به چشم می‌خورد در نظر سنایی نیست همان‌طور که زرین کوب معتقد است هر شاعری نماینده و دست‌پرورده‌ی دوره‌ی قبل از زمان خویش است بنابراین سنایی را هم می‌توان نتیجه‌ی آثار و افکار قرن چهارم به حساب آورد.

تنها نظر به جمال حق و یا صنع حق را سنایی می‌پذیرد. فراوانی این مضمون نسبت به ابیات سعدی بسیار اندک است و تنها اشاراتی به دیدن چهره‌ی زیارویان در آثار سنایی است که همان را هم بیشتر می‌توان زیر عنوان معشوق مذکر دسته‌بندی کرد. همان‌گونه که در بخش سوم آمد معشوق این غزلیات یا از غلامان ترک است و یا معشوق حقیقی و عرفانی و از معشوق مؤنث یا نشانه‌های آن خبری نیست. این امر هم به واسطه‌ی فراوان شدن غلامان ترک درین دوره و محبوس شدن بانوان به حرم‌سراها و اندرونی‌عمارات است. البته این شرایط باروی کار آمدن مغولان و حکومت‌های مغولی به واسطه‌ی ارزش و احترامی که برای بانوان قائل بودند اندکی بهبود یافت.

مسئله‌ی گناه اول بیشتر از غزلیات در حدیقه‌ی سنایی نمود دارد. وی را غزلی است منتسب به حضرت آدم و در آن غزل آدم دلیل گناه نخستینش را اختیاری و بعمدا تعریف می‌کند. از مجموع غزلیات وی برمی‌آید که سنایی منشأ همه‌ی خوبی‌ها و بدی‌ها را انوار قدرت و مشیت و دیگر اوصاف حضرت باری می‌داند و کفر و دین را مشیت لایزال وی. قضای الهی بر سود و زیان بنده قرار می‌گیرد و همان‌طور که جلابی هجویری هم معتقد است: «و اما موحد جبری قول و قدری فعل باشد تا روش وی اندر میان جبر قدر درست آید و این حقیقت آن است که ان پیر گفت، رحمه الله علیه: «التوحید دون الجبر و فوق القدر»» (هجویری، ۱۳۸۳: ۲۶) و این بدین معناست که در حوزه‌ی نظر جبری باشد و در حوزه‌ی فعل قدری و معتزلی باشد؛ و همین‌گونه است نظر سنایی که اگرچه وی به اختیار آدمیان سخت باور دارد ولی اختیار گرای وی منافی توحید افعالی نیست و اختیار آفرین نیک و بد را خداوند می‌داند و بس. وی هم اختیار انسان را می‌پذیرد و هم به اراده لایتناهی خداوند اقرار می‌کند. در باب گناه هم اگرچه مشیت الهی بر آن قرار گرفته است که بنده گناهکار باشد اما بنده هم با اراده‌ی خویش آن گناه را مرتکب می‌شود و باز برگشت از گناه و ریختن آب روی هم در تقدیر لایزال الهی است. این‌گونه انسان مسئول کارهایی است که انجام می‌دهد برخلاف نظریه‌ی جبرگرای اشعریان که برای انسان هیچ‌گونه مسئولیتی قائل نیست و خداوند را فعال مایشاء می‌داند.

استفاده از اسطوره‌های گناه و بی‌تقصیر نشان دادن آن از آموزه‌های جبرگرای اشعریان و از میراث عارفانی چون حلاج است. البته درین دوره کمتر اشعریان نفوذ و تأثیری بر افکار مخصوصاً شعرا داشتند و پیروان حنفیه و شافعیه در غزنه ساکن بودند. سنایی با نمایاندن ابلیس (اسطوره و دلیل گناه) به‌عنوان موجودی مجبور در واقع در پس پرده، خطای تمام گناهکاران را به‌نوعی توجیه کرده است. همان‌طور که گفتیم سنایی حکیمی جبرگرا نیست و تقریباً به جز این غزل در هیچ غزلی جبری بودن سنایی نمایان نیست و همچنین در فقه حنفی و شافعی هم به بین امرین اعتقاد دارند.



در انتساب این غزل «دفاعیه ابلیس» که به‌عنوان کهن‌ترین دفاعیه ابلیس شناخته می‌شود شک و تردید است به اعتبار سخنان بزرگانی مثل عین القضات همدانی و رینولد نیکلسون؛ اما می‌توانیم بپذیریم که جبرگرایی سنایی بر اختیار انسانی‌اش رجحان دارد و ابتدا همه چیز را بر گرفته از تقدیر و سرنوشت محتوم و ازلی می‌داند. به‌احتمال قریب به یقین این شیوه‌ای که حکیم سنایی در غزلیاتش درباره مسئله‌ی جبر و اختیار پیش گرفته است روند غالب زمان وی است؛ و این مرز نامشخص بین جبر و اختیار راه را برای فتوایی به نفع ترکان توسط فقهای دروغین می‌گشاده است.

۸. نتیجه گیری

در این پژوهش مفهوم گناه در غزلیات سنایی بر اساس نظریه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی فر کلاف مورد بررسی قرار گرفت. نظر سنایی درباره‌ی مفهوم گناه و طبقات آن در غزلیات مندرج در دیوان وی مورد ارزیابی قرار گرفت. شاعر با زبانی روان و مناسب و به‌دوراز تعقیدهای لفظی و معنایی برای مخاطب خود سخن می‌گوید؛ و در این میان از مؤلفه‌های عرفانی و فقهی برای اولین بار در اشعار و غزلیات خویش استفاده می‌کند. پیش‌فرض‌های زاهدانه و قلندرانه تقریباً در تمام غزلیات سنایی قابل پیگیری است و شاعر با الهام از مفاهیم عرفانی به خلق تصاویر شعری خویش می‌پردازد. با انطباق نظریه و اشعار سنایی متوجه می‌شویم که میان ویژگی‌های صوری و معنایی متن و ارتباط آن‌ها با دیگر کردارهای اجتماعی عصر سنایی مشابهت‌های معناداری وجود دارد. از آن جمله می‌توان به عناصری که در بخش تبیین مورد ارزیابی قرار گرفت اشاره کرد. مذمت عقل به واسطه‌ی ارجحیت فرقه‌های ضد عقل‌گرایی مانند اشاعره و یا افزایش شاهدبازی و حضور مذهبیان و صوفیان در امور حکومتی و وارد شدن آموزه‌های عرفانی به ساحت شعر و غزل ...

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش نشان دادن قابلیت نظریه‌ی تحلیل گفتمان در واکاوی مفاهیمی است که جامعه آماری وسیعی را دربرمی‌گیرند. در پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه‌ی تحلیل گفتمان چه در ادبیات و چه در رشته‌های دیگر انجام شده است بیش‌تر گفتمان یا متن کوتاهی مورد ارزیابی قرار می‌گرفت، در صورتی که ما با رعایت محدودیت‌های تحلیل گفتمان توانستیم طیف وسیعی از غزلیات را مورد ارزیابی قرار دهیم.

به‌زعم نگارنده‌ی سطور نظریه‌ی تحلیل گفتمان برای بررسی هر نوع متن و گفتمانی که مایل به کشف لایه‌های زیرین و اصلی آن هستیم کاربرد دارد و میزان درک و استنباطی که پردازشگر اطلاعات از این نظریه دارد در پیشبرد کار در جهت متعالی یا برعکس بسیار تأثیرگذار است همچنین با بکار بردن این چنین نظریاتی می‌توان شکاف حاضر در بین متونی را که در واقع در حال گفتگو و تکمیل یکدیگر هستند، پر کرد. به‌منظور شفاف‌سازی بیشتر در زمینه‌ی متونی که با نظریه‌ی تحلیل گفتمان بررسی می‌شوند باید به کاستی‌های این نظریه نیز اشاره کرد. نسبی‌گرایی ناشی از سازه‌گرایی مهم‌ترین کاستی رویکردهای تحلیل گفتمانی است. در واقع بنا بر نسبت، همه‌ی دانش و معرفت بشری تصادفی، تاریخی و اجتماعی تلقی می‌شود و ادعای کلیت و جهان‌شمولی نسبت به هیچ معرفتی نمی‌توان داشت. این سخن تا زمانی که به‌صورت یک گزاره توصیفی و انسان‌شناسانه تلقی شود، مشکلی ایجاد نمی‌کند. اما به لحاظ فلسفی، مسئله‌ی زمانی رخ می‌دهد که وجود هر گونه واقعیتی فراتر از اعتبارات انسانی را انکار کرده و بگوئیم واقعیت همان چیزی است که ما واقعیت می‌پنداریم با این حساب اگر تصور کنیم که نیروی جاذبه در کره‌ی زمین وجود دارد و وجود خواهد داشت و زمانی که دیگر به این اصل اعتقاد نداشته باشیم همه چیز معلق خواهد شد. بی‌شک بخشی از واقعیت نه همه‌ی آن ساخته‌ی قراردادهای اجتماعی است اما بخش اعظمی از آن واقعیت‌های طبیعی و ماوراء طبیعه است. و این گونه واقعیات نه بخشی از ایدئولوژی هستند و نه مخلوق گفتمان‌ها. آموزه‌های وحیانی ما هم از این واقعیات هستند که نه تنها در دین ما بلکه در تمامی ادیان وحیانی در طول تاریخ بشر یکسان است.

و در پایان باید مدنظر داشت که هر محقق که در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان به کار مشغول است، باید به‌خوبی از این امر آگاه باشد که با نقدی که ارائه می‌دهد، خارج از گفتمانی که در حال تحلیل آن است قرار نمی‌گیرد و اصولاً هم این امکان وجود ندارد. تنها کاری که محقق تحلیل گفتمانی انجام می‌دهد نگاه کردن از زاویه‌ای دیگر به عناصری است که وجود دارد و به‌صورت اسناد تاریخی به محقق رسیده است؛ و چه‌بسا که دید جدید محقق رجحانی هم بر نظریات طبیعی شده‌ی گذشته نداشته باشد و شاید بتوان درباره‌ی مسائل تاریخی به این نتیجه رسید که اصولاً حقیقت در هیچ پارادایمی نمی‌گنجد.

مراجع



- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷)؛ تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها.
- یار محمدی، لطف الله (۱۳۹۱)؛ گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸)، تاریخ ادبیات ایران، جلد اول و دوم و سوم، تهران: فردوس.
- غنی، قاسم (۱۳۸۹)؛ تاریخ عصر حافظ: تاریخ فارس و ایالات مجاور، تهران: زوار
- (۱۳۸۹)؛ تاریخ تصوف در اسلام، جلد دوم و سوم، تهران: زوار.
- باثورت، کلیفورد ادموند (۱۳۹۰)؛ تاریخ غزنویان، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- سنایی غزنوی، ابوالمجدود بن آدم (بی تا)، دیوان، به اهتمام مدرس رضوی، تهران: کتابخانه‌ی سنایی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)؛ از گذشته‌ی ادبی ایران: مروری بر نثر فارسی و سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر، تهران: الهدی.
- خسرو، ناصر؛ جامع‌الْحکمتین، (۱۳۳۲) به تصحیح محمد معین و هانری کوربن، انستیتو ایران و فرانسه قسمت ایران‌شناسی.
- فقیه ملک مرزبان، نسرین، ۱۳۹۳؛ "تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه در گلستان سعدی"، کهن نامه‌ی ادب فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم شماره سوم ص ۸۷-۱۲۰
- هجویری، ابوالحن علی بن عثمان ۱۳۹۰؛ "کشف‌المحجوب"، تصحیح و تعلیق محمود عابدی، چاپ هفتم، تهران: سروش

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی